

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام و احترام: در یک بحث دوستانه و محترمانه موضوعی درباره مباحث قضا و قدر و انتخاب انسان ها قبل از ورود به این دنیا پیش اومد که من با توجه به بعضی احادیث ذکر کردم که ورود به این بحث جز برای اهلس در احادیث منع شده است که دوست بنده از من خواست احادیثی ذیل این موضوع بیان کنم که دو حدیث زیر رو ذیل اون مثال آوردم. از امام سجّاد(ع) درباره توحید سؤال شد، حضرتش فرمود: «خداوند عزوجلّ می‌دانست در آخرالزمان مردمانی ژرف‌اندیش خواهند آمد، پس سوره اخلاص و شش آیه اول سوره حدید را نازل فرمود، هر کس ورای آن را طلب کند، هلاک شود.» از حضرت علی(ع) درباره قضا و قدر سؤال شد ایشان فرمودند: راهی است تاریک، آن را نپیمایید و دریایی است ژرف؛ وارد آن نشوید و رازی است خدایی، خود را به زحمت نیندازید. و به عنوان نمونه هم گفتم که بحثی هست که این طور ازش مستفاد میشه که در دنیا کسانی هستند که جبراً به اختیار خودشون راه گمراهی رو طی می کنند و به قول حافظ: در کارگه عشق از کفر ناگزیر است آتش که را بسوزد گر بولهب نباشد و اگر کسی جایگاه درست و دقیق مفاهیم رو نفهمه به جبری مسلک شدن ممکن هست روی پیدا کنه در حالی که افق این بحث بسیار بالاتر هست و با استدلال ها و ادراکات قیاسی نتیجه خطا به دست میاد. ایشون از بحث بنده این طور برداشت کردن که نباید به مباحث توحید ورود کرد که البته نظر بنده این بود که جز برای کسانی که اهلیت فهم علوم توحیدی رو دارند بقیه بهتر هست به این مباحث ورود نکنند و بهتر هست به فکر این باشند که فطرت توحیدی شون رو در انجام شرع به صحنه بیارند و این علوم ذهنی خوب هست ولی نه برای هر کسی که نسبتاً ایشون پذیرفتند. ولی در باب موضوع حدیث اول ایشون گفتند که: به نظر می‌رسد که آن حدیث در ذم متعمقین است، نه در مدحشان. این را شارحین حدیث (علامه مجلسی، آیت‌الله صافی و ...) گفته‌اند و البته برخی گفته‌اند که اگر در ذم متعمقین نباشد، قطعاً در مدحشان هم نیست. یعنی اینطور نیست که متعمقان درک و فهم بالایی دارند. آیا دلیلی بر این دارید که آن حدیث در مدح متعمقین است؟ من کلام زیر رو از علامه جوادی آملی (حفظه الله) از کتاب رازهای نماز برایشون آوردم:

از اینجا روشن شد که ظاهر حدیث گذشته - سخن امام سجاد علیه السلام - ستایش از ژرف نگری و تشویق ژرف اندیشان است و حدی فراتر از محتوای سوره توحید و شش آیه اول سوره حدید نیست و ذیل حدیث اشاره به هلاکت کسی داشت که فراسوی آن ها را قصد کند و این خود دلیل نفی حد فراتر از آن هاست زیرا ره پویی به سوی جایی که راه ندارد و حد و مرزی برای آن تصور نمی شود گمراهی است و گمراه نابود است و هر کسی که با دلیل روشن نابود شده در دوزخی قرار می گیرد که رحمت

حق تعالی در آن نیست چنان که در نامه ای از نهج البلاغه آمده است: «دار لیس فیها رحمه و لاتسمع فیها دعوه / در دوزخ رحمت نیست و خواسته کسی شنیده و مستجاب نمی شود.» ولی ایشان چون علامه در کلامشون به ظاهر کلام استناد کرده بودند چندان قانع نشدند (البته ایشان شخصیت جدلی ندارند بیشتر قانع نشدند نه این که از سر جدل این گونه باشند). ببخشید شما دلایل محکم تری دارید که در باطن این حدیث هم مدح متعمقین باشد و از کلام علمای دیگر هم درباره این حدیث اگر در خاطرتان هست بیان کنید؟ بسیار ممنون.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که دوست جنابعالی متوجه اند و بعضی از علماء نیز برداشت کرده اند «متعمقین» بعضاً در روایات ما به معنای کسانی است که بیجا در هر ساحتی و بدون رسیدن و درک آن ساحت ورود پیدا می کنند و از این جهت این عنوان، یک نوع قدح است. ولی فکر می کنم در حدیث مذکور بتوان سخن ملاصدرا و حضرت آیت الله جوادی را پذیرفت، زیرا روایت می فرماید: خداوند شش آیهی اول سورهی حدید و سورهی توحید را برای آن متعمقین آورده است. و این نشان می دهد که این افراد انسان های فرهیخته ای هستند که می توانند چنین فہمی از توحید داشته باشند. موفق باشید